

«سهم زنان در توسعه اقتصادی ایران در ده سال گذشته»، (دکتر طاهره کاغذچی)

امروزه پدیده توسعه یک واقعیت زندگی است و به همان اندازه که مسائل اقتصادی را در برمی گیرد، یک مقوله اجتماعی و فرهنگی نیز به شمار می آید. با توجه به این فرض که انسان محور و کلید اصلی توسعه می باشد، بنابراین یکی از موضوعات اساسی در برنامه ریزیهای خرد و کلان اقتصادی؛ فرهنگی و اجتماعی هر کشور نیروی انسانی است. به عبارت دیگر نیروی انسانی یکی از ذخایر مهم و با ارزش کشورهای در حال توسعه می باشد و چنانچه این کشورها بتوانند نیروی انسانی را در جهت رشد و تعالی و تخصص بار آورند می توانند با کشورهای صنعتی رقابت کنند. در این برنامه ریزی نمی توان نیمی از جمعیت یعنی زنان و نقش آنها در توسعه را نادیده گرفت، استعدادهای بالقوه زنان یکی از اصلی ترین منابع سرمایه گذاری برای کشورهای در حال توسعه خواهند بود.

زن و شخصیت وی در طول تاریخ همواره دستخوش بی مهری ها و ناملایمات قرار گرفته است. مرد و زن همواره در کنار هم به فعالیت و تولید اشتغال داشته اند، تحول عمده در شرایط کار زنان و تعریف جدید از نقش زنان در پی صنعتی شدن جوامع پدیدار شد. امروزه با پیشرفت سطح تحصیلات و نیز افزایش هزینه های زندگی، داشتن شغل و کسب درآمد از نیازهای هر فرد محسوب می شود و محروم بودن بانوان از تأمین این نیاز اساسی، به دو نیم کردن پیکر اجتماع و در نهایت نابودی آن می انجامد. امروزه زنان بیش از چهل درصد نیروی کار دنیا را تشکیل می دهند، با این وجود سهم آنها از رده های عالی مدیریتی، غیر قابل توجیه و اندک است. زنان در سطوح مختلف طبقاتی و فرهنگی با انگیزه های متفاوتی وارد بازار کار می شوند. مهمترین پیامدهای مثبت اشتغال زنان عبارتند از:

- کاهش نرخ رشد جمعیت به لحاظ آگاهی های فردی و اجتماعی زنان
- افزایش آگاهی و بینش اجتماعی و در نهایت ایجاد روحیه اعتماد به نفس و استقلال فکری و روحی در زنان
- شکوفایی استعداد و ابراز وجود به صورت مثبت
- کمک به جبران بخشی از هزینه های زندگی و تاثیر آن بر ارتقاء سطح بهداشت، آموزش و استحکام خانواده از طریق تأمین نیازهای ضروری
- تقویت روحیه مقاومت و اتکاء به خود در بین بچه ها و آماده سازی آنها برای جامعه و زندگی آینده خودشان
- ارتقاء پایگاه حقوقی و حفظ منزلت زن
- تقویت روحیه قناعت و پرهیز از تجمل گرایی و پوچ گرایی
- آشنایی بیشتر با روش های ارتقاء بهره وری از امکانات مادی و معنوی خانواده
- کمک به رشد و توسعه فرهنگی - اجتماعی کشور از طریق تخصص و مهارت های خود
- ارتقاء توان مدیریت و ایجاد زمینه جهت اعمال آن در خانواده.

ورود زنان به قلمرو توسعه در بخش های مختلف اقتصادی و اجتماعی با موانع زیادی مواجه می گردد و بعضی از این موانع ریشه های فرهنگی و تاریخی دارند که نمی توان آنها را به آسانی از میان برداشت. به عبارت دیگر تغییر در نظام های ارزشی کشورهای در حال توسعه بسیار کند صورت می گیرد و تغییر در نظام فرهنگی، به واسطه ماهیت پیچیده تر و سنتی تر آن، نسبت به ساختار سیاسی و اقتصادی دیرتر عملی می شود.

امروزه در پی جهانی شدن، پیشرفت و توسعه اقتصادی باید در اولویت برنامه‌های هر کشور قرار گیرد و برای رشد و توسعه اقتصادی، باید تغییرات ساختاری در جنبه‌های دیگر نیز صورت پذیرد. در شرایط جدید وجود زنان در فعالیتهای خارج از خانه (چه از نظر اقتصاد خانواده و چه از نظر اقتصاد کشور) یک نیاز محسوب می‌شود و هم‌نوایی ارزش‌ها و هنجارها با تغییرات موجود مدتی به طول خواهد انجامید و گذر از مرحله سنتی به مرحله جدید طی یک دوره بحران منجر به تعارض‌هایی نیز خواهد شد که از آن گریزی نیست.

زنان ایرانی از نظر امکان حضور در فعالیتهای اقتصادی جامعه با محدودیت‌های فراوانی روبرو هستند، که البته این معضل متعلق به اغلب کشورهای کم توسعه است. در این تحقیق علاوه بر بررسی مقدماتی جامعه شناختی، آمار تحصیلات و اشتغال بانوان ارائه شده است و در خاتمه از دانشجویان و فارغ التحصیلان شاغل رشته‌های فنی مهندسی در مورد وضعیت شغلی آنها نظرسنجی انجام شد. با توجه به آمار و ارقام ارائه شده در این تحقیق، مشاهده گردید که حضور بانوان در رشته‌های تحصیلی و مشاغل فنی - مهندسی رو به افزایش است. فرهنگ حاکم بر جامعه، مسئولیتهای سنگین خانه‌داری و غیره از موانعی است که در بعضی جامعه‌های حتی صنعتی و پیشرفته مانع از حضور بانوان در عرصه‌های اجتماعی شده است. علیرغم توانایی‌های بالا و بالقوه بانوان، به علت پاره‌ای مشکلات، این توانایی‌ها بالفعل نشده‌اند و بسیاری از جوامع هنوز نتوانسته‌اند از آنها در پیشبرد اهداف خود استفاده نمایند. امید آنکه روزی شاهد حضور بیشتر و چشمگیرتر بانوان ایران در عرصه‌های صنعت و سازندگی باشیم.